

## ارکان مهم مبارزه با جرم پولشویی:

# شناسایی مشتری و واحد اطلاعات مالی

## بخش دوم

مینا جزایری - رییس گروه بازرسی اداره نظارت بر بانکها

### اشاره

در بخش اول این مقاله، پس از مروری بر رابطه پولشویی با فرهنگ حاکم بر موسسات مالی، به نخستین محور، یعنی موضوع شناسایی مشتری پرداختیم و ضوابط شناسایی مشتری از لحاظ گروه کار اقدام مالی برای مبارزه با پولشویی (FATF) و کمیته امور مقررات بانکی و شیوه‌های نظارتی (کمیته بازل) را برشمردیم. اینک به ادامه همین بحث، یعنی چگونگی شناسایی مشتری و مشکلات آن می‌پردازیم.

بانک و اقتصاد

آیا مشتری نماینده‌ای است که از طرف شخص دیگری (اصیل) اقدام می‌نماید؟ در اینصورت، لازم است که طرف اصلی، یعنی ذینفع نهایی شناسایی شود. به هر حال، این ابهام اساسی همیشه وجود دارد که موسسه مالی چگونه می‌تواند بین کارگزار و امین و مشتری واقعی تفکیک قایل شود. این موضوع با احراز هویت شخصی که پرداخت به‌او صورت می‌گیرد، تعیین می‌شود.

توضیح است که به عنوان یک اصل پذیرفته شده، اطلاعات اخذشده از مشتریان صرفاً در موارد خاص، یعنی اجرای ضوابط و مقررات پولشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

درخصوص اشخاص حقوقی به‌موجب توصیه‌های چهل‌گانه، احراز هویت شخص حقوقی متضمن شناسایی نام، شکل قانونی و شعب آن ... می‌باشد. مشکلی که موسسات مالی معمولاً با آن روبرو هستند، بی‌نام‌بودن سهام هیأت‌مدیره است، بدین معنی که تشکیل شخصیت حقوقی و ترتیباتی که در تاسیس آن صورت می‌گیرد، به نحوی است که امکان سوءاستفاده مجرمان برای شستن پول‌های کثیف را فراهم می‌آورد. بدیهی است که وجود سهام بی‌نام موجبات نقل و انتقال سهام شرکت از طریق انتقال فیزیکی از شخصی به شخص دیگر را فراهم می‌سازد. نقل و انتقال اینگونه سهام در مقام مقایسه مانند نقل و انتقال سهام بانام نمی‌باشد. گروه کاری اقدام مالی، اسناد در وجه حامل را ابزاری مناسب برای پولشویی می‌داند، زیرا این اموال می‌توانند بدون جا گذاشتن هرگونه نشان و ردپایی (زنجیره عطف حسابرسی) نقل و انتقال پیدا کنند و سرانجام شرکت‌ها تملک و کنترل شوند، بدون آن که مالکیت سهام مشخص باشد. از سوی دیگر، امین در بعضی از

اسناد در وجه حامل، ابزاری مناسب برای پولشویی بشمار می‌روند.

### چگونگی شناسایی مشتری

اولین مرحله در فرایند شناسایی مشتری این امر است که وقتی یک مشتری تقاضای برقراری روابط تجاری می‌نماید، موسسه مالی با سوال‌هایی به شرح زیر مواجه خواهد شد: چه کسی؟ چه چیزی؟ چگونه؟ چه کسی (مشتری کیست)؟ هرچندکه در بادی امر پاسخ به این سوال آسان است، لیکن با توجه به ابعاد موضوع و تنوع ابزارهای مالی، در عمل تشخیص مشتری آسان نیست. در همین ارتباط وقتی که موسسه مالی با مشتری روبرو می‌شود، اولین سوالی که باید پاسخ دهد، این است که مشتری کیست؟ آیا این مشتری برای خود عمل می‌کند یا برای شخص دیگری؟

چه چیزی؟ سوال دوم در واقع درخصوص نوع ابزار یا خدماتی است که مشتری انجام آن را از موسسه مالی تقاضا می‌نماید. در این خصوص موسسه مالی چه اسناد و مدارکی را باید اخذ نماید؟ و چه ضوابط و مقرراتی را باید رعایت کند؟ به‌طور کلی، اسناد و مدارکی که از مشتری اخذ می‌شود، بدین قرار است: درخصوص شخص حقیقی شناسایی وی با اخذ و رویت مدارکی مانند کارت شناسایی و گذرنامه صورت می‌گیرد. به‌علاوه، سوابق مذکور برای مدتی که کمتر از پنج سال نخواهد بود، نگهداری می‌شود. لازم به

انجا اهمیت دارد که باید درصدد شناسایی مشتری واقعی یا به عبارت دیگر، ذینفع واقعی باشند. به همین علت، چون هدف نهایی در تدوین مقررات، شناسایی مشتری واقعی است، لذا موسسات مالی در عمل با مشکل مواجه می‌شوند.

البته پاسخ به این نکته نیز ضروری است که وقتی که مشتری فاقد مدارک هویت باشد، آیا می‌توان روشی برای شناسایی وی داشت؟ توضیح آن که بعضی

ممکن است از مجموعه عملیات بانکی، به‌ویژه پرداخت بدهی تشکیل شود. در این میان، بانکی که این خدمات را تقاضا می‌کند، ممکن است که اشراف کامل به وضعیت مشتری خود نداشته باشد. روابط کارگزاری از نقطه نظر پولشویی بسیار آسیب‌پذیر است، زیرا بانک‌های کارگزار ممکن است که خدماتی را به بانک‌های خارجی ارائه نمایند و این بانک‌ها هم فاقد مقررات پولشویی باشند.

شخصیت‌های حقوقی در زمره کارکنان شرکت است که با هدف کار به جای شخص دیگری استخدام می‌شود. این مدیران از طرف مالکان واقعی استخدام می‌شوند، زیرا ساختار شخص حقوقی به نحوی است که ذینفع یا مالک واقعی ظاهر یا افشا نمی‌شود. مشکل اساسی در این نوع شرکت‌ها این است که به صورت زنجیره‌ای تاسیس می‌شوند و ساختار آنها به نحوی است که مالکان اصلی در پوشش مدیران اسمی قرار می‌گیرند.

در مناطق Offshore تاسیس شرکت به لحاظ ویژگی‌های خاص این مناطق امکان‌پذیر است. یکی از ویژگی‌های شخصیت‌های حقوقی در مناطق فرامرزی، امکان صدور سهام بی‌نام و استفاده از مدیران اسمی است. بدیهی است که این ویژگی‌ها (به همراه این که اولویت مناطق آزاد، همانا ارائه خدمت به اشخاص غیرمقیم است) زمینه مساعدتری را برای پولشویی فراهم می‌سازد. به همین علت با توجه به ساختار این شرکت‌ها، نوع مشتریان و مکان، از منظر پولشویی و تطهیر پول‌های کثیف، ریسک بیشتری به این قبیل مناطق مترتب است.

درخصوص آن دسته از شرکت‌هایی که نیاز به شناسایی ندارند یا ریسک شناسایی آنها کمتر است، می‌توان به موسسات مالی و بانک‌ها اشاره نمود. در گزارش تحقیقی FATF اشاره شده است که صرفاً بانک‌ها و موسسات اعتباری با پیش‌فرض این که ضوابط مربوط به شناسایی مشتری در آنها رعایت می‌شود، از شمول این مقررات مستثنا می‌باشند، لیکن در این مورد نیز دو مشکل وجود دارد:

۱- کدام موسسه و چه عملیاتی در محدوده تعریف موسسه مالی و اعتباری قرار می‌گیرد؟  
۲- آیا مقررات مربوط و یا استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی در این قبیل موسسات رعایت می‌شود<sup>(۱)</sup>.

ضعف اجرای مقررات مبارزه با پولشویی عمدتاً خود را در روابط کارگزاری نشان می‌دهد. وقتی که بانکی به کشور دیگری خدمت ارائه می‌نماید، آن بانک از طرف مشتری خود اقدام می‌کند. این خدمات

اولویت قابل شدن مناطق آزاد برای ارائه خدمت به اشخاص غیرمقیم، زمینه مساعدی را برای پولشویی فراهم می‌آورد.



▲ فساد سیاسی رهبران، نوعی نسل‌کشی و نوعی تروریسم اجتماعی است که به منزله نقض اصول امانت شمرده می‌شود.

از کشورها مبادرت به صدور کارت شناسایی می‌نمایند و در بعضی از کشورها دو نوع مدرک هویت، یعنی کارت شناسایی ملی و گذرنامه وجود دارد، در حالی که سند دیگری نیز صادر می‌شود که دربرگیرنده نشانی مشتری است. مشکلات عمده در این مبحث به سه قسمت تقسیم می‌شوند:

۱- پیش‌بینی احراز هویت مبتنی بر اسناد مختلف.  
۲- متفاوت بودن مدارک احراز هویت در قلمرو کشورهای مختلف.  
۳- شناسایی مدیران و مقامات دولتی به علت مشکلات خاص خود.

لازم به توضیح است که انتقال اموال دولتی ناشی از اختلاس و ارتشا و ردیابی آن بسیار مشکل است. بسیاری از موسسات مالی در کشورهای اروپایی و

مشکل از نقطه نظر موسسات مالی این است که وقتی که زنجیره‌ای از روابط کارگزاری وجود دارد یا وقتی که مشتری، یک "بانک کاغذی" (Shell Bank) است، چگونه می‌توان مشتریان با ریسک بالا را شناسایی کرد؟ به عنوان مثال، به موجب قانون مبارزه با پولشویی در کشور ایالات متحده آمریکا، بانک‌ها مکلفند که به هنگام ایجاد روابط کارگزاری با بانک‌های دیگر، اطمینان حاصل نمایند که متقاضی یک "بانک کاغذی" نیست. هرچند که بانک‌های این کشور با اخذ گواهی برای خود پوشش قانونی لازم را به دست می‌آورند، ولی در سایر کشورها چنین تمهیداتی ملاحظه نمی‌شود.

چگونه (هویت مشتری چگونه احراز می‌شود)؟ موسسات مالی با مشتریانی مواجه هستند که اسنادی را برای شناسایی ارائه می‌دهند. این امر از

آمریکایی اجازه داده‌اند که سران کشورهای جهان سوم مبادرت به افتتاح حساب به نام خود یا نزدیکان خود نمایند و بدین ترتیب، اموال زیادی که ناشی از ارتشا و اختلاس این اشخاص است، به خارج از کشور انتقال می‌یابد و سرمایه‌گذاری می‌شود. کمیته بازل و گروه کار اقدام مالی، با توجه به این نکته که وجوه پولشویی متعلق به این قبیل افراد منجر به بی‌عدالتی و توسعه فساد می‌شود [توضیح آن که این افراد به اشخاص در معرض سیاست (Politically Exposed Person) یا سیاستمداران موسوم هستند] برای شناسایی این اشخاص ضوابطی را پیش‌بینی نموده است.

### انتقال اموال دولتی ناشی از اختلاس و ارتشا و ردیابی آن بسیار مشکل است.

### چگونگی شناسایی اشخاص سیاسی

یکی از مشکلات موسسات مالی، به ویژه در کشورهای غربی به شناسایی اشخاص سیاسی بازمی‌گردد. منشأ این امر به توصیه‌های چهل‌گانه FATF مصوب ژوئن ۲۰۰۳، گزارش کمیته بازل در شناسایی و احراز هویت مستعار مشتری (Customer due diligence) و همچنین ماده ۵۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد بازمی‌گردد.

توصیه ۶ از اصول چهل‌گانه FATF مقرر می‌دارد «اشخاص سیاسی که وظایف ویژه دولتی به آنها تفویض گردیده، عبارتند از رئیس دولت، افراد رده بالای حکومتی، سران ارتش، سران قوه قضاییه، مدیران اجرایی موسسات و شرکت‌های دولتی و سران احزاب سیاسی، فامیل و وابستگان اشخاص فوق‌الذکر». چنان که ملاحظه می‌شود، این اصطلاح به افراد فامیل و کلیه روابط تجاری آنها نیز بازمی‌گردد. بدیهی است که تعریف شخص سیاسی و تعیین وابستگان آنان برای موسسات مالی بسیار مشکل است. به عنوان مثال، ممکن است که یک موسسه مالی شخصی را به عنوان مشتری بپذیرد که در زمان پذیرش، در قلمرو شمول شخص سیاسی قرار نداشته باشد (هرچند که دارای مقام دولتی باشد) لیکن در جریان ارتقای مقام باشد. به همین علت، موسسات مالی در فرایند شناسایی مکلفند مکانیزم‌هایی را

جهت این قبیل مشتریان به کار گیرند و شناسایی این اشخاص صرفاً با تبادل اطلاعات بین المللی امکانپذیر است. لازم به توضیح است که پدیده رهبران سیاسی پدیده‌ای در ارتباط با رهبران جهان سوم و فساد مالی آنان است<sup>(۲)</sup>.

به‌هرحال، اعتقاد بر این است که موسسات مالی در جهان غرب در صورت پذیرش اینگونه افراد به عنوان مشتری با ریسک سوء شهرت و ریسک قانونی مواجه می‌شوند و در صورت اثبات این امر که اموال سپرده‌شده در موسسه مالی ناشی از ارتشا و اختلاس و فساد می‌باشد، در این صورت، موسسه موظف است که مال را به کشور مبدأ بازگرداند.

در این خصوص، کمیته بازل برای این که بانک‌ها به‌صورت ناخواسته مورد سوءاستفاده برای اینچنین عملیاتی قرار نگیرند، اصول و ضوابطی را پیشنهاد نموده است. در این ارتباط، ماده ۵۲ کنوانسیون سازمان ملل در خصوص مبارزه با فساد مقرر داشته است که کشورها قوانین و ضوابطی را برای احراز هویت و شناسایی آن دسته از مشتریانی که دارای حساب با ارقام کلان می‌باشند، پیش‌بینی نمایند.

شایان ذکر است که رویکرد کنترل اشخاص سیاسی و توصیه برای احراز هویت و شناسایی این قبیل افراد، در واقع، برداشت جدیدی برای مبارزه با جرم پولشویی است. فساد مالی و سوءاستفاده رهبران یکی از منابع عمده‌ای است که سعی در پنهان نمودن منشأ و ماهیت غیرقانونی آن می‌شود.

به‌هرحال، این طور بیان می‌شود که در گذشته، عده کمی دغدغه و نگرانی فساد سیاستمداران را داشته‌اند، لیکن امروزه این امر به عنوان خسارتی جبران‌ناپذیر که باید با آن مبارزه کرد، تلقی می‌شود. بانک جهانی پذیرفته است که مبارزه با فساد رهبران کشورها، به‌ویژه کشورهای جهان سوم امری است سیاسی که در دستور کار جهان قرار گرفته و پیام عمده آن غیرسیاسی است. فساد سیاسی رهبران، نوعی نسل‌کشی آرام و نوعی ترور بسم اجتماعی است و این امر به منزله نقض اصول امانت است که بین رهبران و مردم وجود دارد.

### شناسایی کنترل‌کنندگان اشخاص حقوقی

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، در شناسایی مشتری نمی‌توان به حداقل‌های مطمئن دست یافت.

به عنوان مثال، در شناسایی شخص حقوقی، نکته اساسی معطوف است به کنترل‌کنندگان و مالکان شرکت. بدیهی است که مشکل اساسی در این مورد، وجود سهام بی‌نام و همچنین مدیران اسمی است که در واقع، موجب عدم افشای اطلاعات به‌صورت کامل می‌شود. توضیح آن که، این اطلاعات حتی در دسترس افراد و مراجع ذیربط تحقیق و بازرسی قرار ندارد. این کاستی به مناطق Offshore محدود نمی‌شود، بلکه در کشورهای غربی نیز اطلاعات مربوط به سهامداران همیشه در دسترس نمی‌باشد. به عنوان مثال، برخلاف کشورهای انگلیس، بلژیک و فرانسه، شرکت‌های چندملیتی در سوئیس و استرالیا و آلمان نیازی به ثبت حساب‌های خود ندارند.

بی‌شک، موضوع اصل رازداری و بی‌نامی یکی از ویژگی‌های تشکیل شخصیت حقوقی و در واقع، مصون‌ماندن از افشای اطلاعات است. در یکی از تحقیقاتی که درخصوص ساختار شرکت‌ها مبنی بر عدم شناسایی سهامداران و کنترل‌کنندگان صورت گرفته است، به مقرراتی به منظور حمایت از معاملات بی‌نام و ایجاد شرکت‌های پوششی اشاره شده است که علت عمده وجود این قوانین، ناشناخته‌ماندن مالکیت اشخاص در شرکت‌های مختلف است. این ویژگی به سایر قوانین نیز تسری یافته و بنابراین، نام مالک اصلی یا ذینفع معاملات در پرده‌ای از ابهام باقی می‌ماند که این امر خود موجب اختلال در روند تحقیقات کیفری است.

### در صورت اثبات این امر که اموال

سپرده‌شده به یک موسسه مالی، ناشی از ارتشا و اختلاس و فساد می‌باشد، در این صورت، آن موسسه موظف است که مال را به کشور مبدأ بازگرداند.

در ارتباط با مشکلات برشمرده فوق، برخورد یک موسسه مالی باید چگونه باشد؟ بدیهی است که در صورت نداشتن دسترسی به اطلاعات، تنها منبع موجود در این زمینه خود شرکت است. در هر صورت، حتی‌الامکان باید با اخذ اطلاعات یا اطلاعات اضافی، درصدد کشف حقیقت بود تا چنانچه اساس و پایه تشکیل شخص حقوقی (مشتری) برای مقاصد پولشویی باشد، شناسایی شود.

## تکیه بر شخص ثالث

گروه کار اقدام مالی، به موجب توصیه شماره ۹ کشورها را مجاز نموده است که موضوع شناسایی و احراز هویت مشتریان خود را به اشخاص ثالث محول نمایند. اما این امر یکی از مشکلات عمده شناسایی توسط موسسات مالی است، زیرا تشخیص میزان مسوولیت پذیری این اشخاص در صورت تفویض وظیفه شناسایی مشتری به آنان، به آسانی امکانپذیر نیست.

اتکا یا ارجاع به شخص ثالث در موارد زیر صورت می‌گیرد:

۱- هنگامی که امر شناسایی مشتری توسط موسسه مالی به یک موسسه ثالث مانند موسسات مشاور مالی تفویض شده باشد.

۲- هنگامی که کارگزار از ناحیه مشتری خود مبادرت به خریداری خدمات و ابزارهای مالی می‌نماید.

بدیهی است که در موارد فوق می‌توان به کار محول شده به شرکت یا واسطه مالی دیگر اتکا نمود، لیکن در این خصوص، موسسات مالی باید با احتیاط عمل کنند و پاسخ روشنی برای این سوال داشته باشند که آیا واسطه مالی نیز به موجب قوانین و مقررات حاکم بر آن یا کشور متبوع خود ملزم به شناسایی مشتری بوده و اساساً این کار را انجام داده است؟ لازم به توضیح است که اتکا یا تفویض اختیار امر شناسایی به اشخاص ثالث یا شرکت‌های مشاوره، نمی‌تواند رافع مسوولیت موسسات مالی در امر شناسایی باشد.

بعضاً در مواردی که مشتری توسط شخص یا موسسه مالی دیگری معرفی می‌شود، بانک / موسسه مالی نسبت به پذیرش مشتری با دریافت معرفی‌نامه از شخص ثالث (خواه داخلی باشد یا خارجی) اقدام می‌نماید. به هر حال، در صورت اتکای به اسناد و مدارک و معرفی اشخاص ثالث، باید اطمینان حاصل شود که شخص معرفی‌کننده در کشور متبوع خود مکلف به رعایت استانداردها می‌باشد.

نکته مهم دیگر این است که آیا قوانین مربوط به حفظ اسرار حرفه‌ای، اجازه انتشار اسناد مربوط به هویت شخص ثالث را می‌دهد؟ یا توجه به این که بنا به ملاحظات فرهنگی و اجتماعی در بعضی از کشورها، معرفی‌کننده ناگزیر به صدور چنین معرفی‌نامه‌ای است، به همین علت، این تفویض

مسوولیت همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، رافع مسوولیت بانک / موسسه مالی نخواهد بود.

## مشکلات فعلی شناسایی مشتری

در قرن حاضر، معاملات به صورت وسیع از طریق عدم‌مراجعه مشتری (Non Face to Face) انجام می‌شود. این روش، موضوع شناسایی مشتری، افتتاح حساب و نظارت بر گردش عملیات وی را مشکل می‌سازد. سوال اساسی این است که چگونه می‌توان هویت مشتریان احتمالی را احراز کرد؟ و چگونه می‌توان اطمینان حاصل نمود که نحوه استفاده از این حساب‌ها یا سایر عملیات، دارای مقاصد قانونی و غیرمجرمانه است؟ پیشرفت تکنولوژی در بخش‌های مختلف، به‌ویژه در بخش خدمات‌رسانی (سرعت و بی‌نام‌بودن معاملات) فرصت کم‌نظیری را برای پولشویان ایجاد می‌کند.

### پیشرفت تکنولوژی در بخش‌های مختلف، به ویژه در بخش خدمات‌رسانی، فرصت کم‌نظیری را برای پولشویان ایجاد می‌کند.

باید توجه داشت که آنچه موسسات مالی برای اینگونه مشتریان انجام می‌دهند، فراتر از آن چیزی است که برای مشتریان حضوری انجام می‌دهند. به موجب نظریه گروه کاری اقدام مالی، استفاده از ابزارهایی چون اینترنت و پست و... متضمن عناصری است که منجر به افزایش ریسک پولشویی می‌شود. گروه کاری اقدام مالی، اعتقاد دارد که استفاده از اینترنت، موجب برداشتن مرزهای رابطه شخص با بانک می‌شود یا به عبارت دیگر، موجب حذف واسطه‌های مالی می‌گردد. این موضوع، مبحث بحث‌برانگیز استفاده از این روش است. به همین علت جاذبه‌هایی چون عدم‌استفاده از کارمند و رجحان عدم‌حضور مشتری در شعبه باعث شده است که این روش در مقام مقایسه با بانکداری سنتی از موفقیت بیشتری برخوردار باشد.

کمیت بازل در ارتباط با انتخاب روش‌هایی که موجب کاهش ریسک می‌شود، موارد زیر را پیشنهاد کرده است:

- گواهی تصدیق اسناد ارائه شده؛

- اخذ اسناد اضافی علاوه بر آنچه در معاملات

حضوری دریافت شده است؛

- تماس مستقل با مشتریان توسط بانک؛

- الزام به این که اولین پرداخت از حسابی صورت

گیرد که در بانک دیگری به صورت حضوری گشایش یافته و مشتری مورد شناسایی قرار گرفته است.

ریسک مربوط به انجام معاملات حضوری نیز با توجه به امکان جعل اسناد و مدارک هویت افزایش یافته است. به همین علت، بسیاری از موسسات مالی از اتکای صرف به اسناد و مدارک هویت در جهت شناسایی مشتری خودداری نموده و در صورت لزوم، اسناد و اطلاعات اضافی را از مشتریان تقاضا می‌نمایند. هرچند که موضوع جعل اسناد در بانکداری اینترنتی متداول شده است، لیکن مزایا و منافی‌ها را که برای موسسات مالی در این خصوص ایجاد می‌شود، نباید از نظر دور داشت و در این خصوص، کشورها می‌توانند با به‌کارگیری نرم‌افزارهایی موضوع شناسایی مشتری را حل نمایند. لازم به توضیح است که حتی در فرهنگ کشورهای پیشرفته نیز در پذیرش این خدمات جدید اگرچه زیادی وجود دارد. به‌هر حال، ماهیت و طبیعت این نوع بانکداری اقتضا دارد که بانک‌ها به تحقیقاتی فراتر از آنچه در بانکداری سنتی پیش‌بینی شده، بپردازند.

ادامه دارد

## زیرنویس‌ها

(۱) زیرا برخلاف ادعاهای مطرح‌شده مبنی بر این که پولشویی یک پدیده جهانی است و مبارزه با آن عزم جهانی را می‌طلبد، در عمل مشاهده می‌شود که هدف قانونگذاران با این ویژگی بسیار فاصله دارد، حتی در کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا و انگلستان این انتقاد وارد است که بعضی از اصول چهل‌گانه را پذیرفته‌اند (اگر این موضع کشورهای عضو گروه کار اقدام مالی باشد، پس وضعیت کشورهای خارج از این گروه چگونه است؟)

(۲) در سال ۲۰۰۰ رییس جمهور وقت زامبیا (Dr. Fredrick Chilulia) پس از دو دوره حکومت پنج ساله تصمیم می‌گیرد که نسبت به اصلاح قانون اساسی کشور زامبیا اقدام نماید این ابهام وجود داشت که چرا رییس جمهوری می‌خواهد برای سومین بار در مقام خود باقی بماند؟ یکی از دلایلی که رییس جمهوری به ترک مقام خود علاقه نداشت، میزان درگیری وی در فساد مالی بود. اما با تشکیل کمیته فساد مالی، تحقیقات گسترده‌ای درخصوص شخص وی صورت گرفت و به عنوان مثال، مشخص شد که سه تن از وزرای وی مبلغ ۶۰۰ هزار دلار برای برپایی کنفرانس حزب حاکم از یک بانک دولتی برداشت نموده‌اند.